

DOR: <https://dori.net/dor/20.1001.1.1735708.1399.16.37.9.0/>

تبیین تکنیک‌های طنز در مصر معاصر با تأکید بر جداره‌های محیط شهری (مطالعه موردی: آثار احمد شفیق بهجت)

محمد طایفه‌خانی^۱سندس کردآبادی^{*}

چکیده

امروزه، چگونگی تناسب و زیبایی محیط شهری از یک سو و نابسامانی حاکم بر جداره‌های آن از سوی دیگر، موجب شد که ضرورت ساماندهی محیط شهری مورد توجه قرار گیرد. از این رو، توجه به عامل زیبایی در معماری محیط شهری بسیار اهمیت یافت. در این میان، ادبیات نیز می‌تواند در زمینه‌هایی کارساز باشد.

طنزنویس معاصر مصر، احمد شفیق بهجت، با صراحت و تیزبینی خاص خود و با آگاهی، لبه تیز انتقادهای خود را متوجه جامعه و محیط بی‌نظم، آشفته و نابسامان شهری امروز مصر و معایب آن کرد. او با زبان طنز، اندیشه انتقادی خود از جلوه‌های شهری را عینیت بخشید و راهکارهای اصلاحی پیشنهاد داد.

روش تحقیق در این مقاله، توصیفی-تحلیلی است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تکنیک‌های طنز می‌تواند عناصر بصری در نماها و جداره‌های محیط شهری را به زیبایی بیان کند. انسان‌ها را از عیب‌ها و کج‌روی‌های خود آگاه سازد. همچنین به ما یادآور می‌شود که با کمک این تکنیک‌ها می‌توان زشتی‌ها و ردیلت‌ها را تحقیر کرد و فضیلت‌ها را بزرگ شمرد و از این راه، مخاطبان را به تفکر برای اصلاح رفتارهای نامتعارف، ترغیب و تشویق نمود.

اهداف پژوهش

۱. بازخوانی عناصر بصری در نماهای شهری مصر، برای بیان تکنیک‌های طنز احمد شفیق بهجت.
۲. بیان هدف‌های فرهنگی و اجتماعی بهجت برای ارتقا بخشیدن جامعه اسلامی مصر.

سوالات پژوهش

۱. تکنیک‌های طنز به کار رفته در آثار احمد شفیق بهجت با نگاه به جداره‌های محیط شهری چیست؟
۲. احمد شفیق بهجت در بیان طنزآمیز جلوه‌های شهری، در پی چیست؟

واژگان کلیدی

طنز، احمد بهجت، تکنیک طنز، جداره‌های محیط شهری، مصر، جامعه اسلامی.

^۱. گروه زبان و ادبیات عرب، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. mtayfehkhani@yahoo.com

^۲*(نویسنده مسئول) گروه زبان و ادبیات عرب، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

sou.kordabady@iauctb.ac.ir

مقدمه

هنر اسلامی، مکاشفه ای از صور گوناگون هستی تا حقیقت این صور را در قالب کلام، موسیقی، تصویر، حجم و معماری به تجسم و نمایش بگذارد و در روند این مکاشفه، حیات فردی و جمعی انسانی را اعتلا دهد تا آن حد که به قرب الهی برساند (رهنورد، ۱۳۸۹). شهر نیز، مجموعه ای از عوامل طبیعی، اجتماعی و محیط های ساخته شده توسط انسان است که جمعیت در این مجموعه به صورت منظمی در آمده و آداب و رسومی را برای خود ابداع کرده اند. رشد سریع شهرنشینی در دهه های اخیر، به ویژه در کشورهای اسلامی، چشم اندازهای شهری را به شدت توسعه و تغییر داده است. با روند رو به رشد شهرنشینی و سرعت تغییرات، آنچه امروزه در ساختار شهرها بیش از هر چیز در معرض تهدید قرار دارد، منظر شهری است که نمود بحران در طراحی شهری، مدیریت و برنامه ریزی بصری فضاهای عمومی شهر به حساب می آید. منظر شهری، حاصل سطح تماس انسان با شهر است؛ در این راستا، انسان نه تنها در ساختار چشم انداز بصری شهر از طریق فعالیت های خود بر منظر شهری تأثیر می گذارد، بلکه رفتار و درک ذهنی شهروندان نیز از طریق تماس با منظر شهری تأثیر می پذیرد (کیانی، ۱۳۹۰: ۲۶). اهمیت جنبه بصری شهر از آن روست که امکان «قرائت» محیط به مثابه «متن» را فراهم می آورد. تنها در آینه محیط بصری و منظر شهری است که ابعاد ناملموس حیات مدنی، همچون فقر و غنا، سلطه نهادها و ارزش های معین، سلاقی زیبا شناختی خرده فرهنگ ها، عمق تاریخی شهر و غیره از طریق نظامی از «نشانه» ها امکان تجلی و بروز خارجی یافته و ارزیابی مثبت یا منفی را میسر می سازد (گلکار، ۱۳۸۷: ۹۶). زمانی که میان جداره های شهری و معیارهای استاندارد، اختلاف زیادی باشد، طنزپرداز با ابزار غیر مستقیم طنز، وارد می شود تا بتواند آن را با شیوه ای خاص حل و برطرف کند. طنز از شاخص ترین انواع ادبی است که برآمده از معایب و مشکلات جامعه است و طنز پرداز، آنها را با شوخ طبعی و ظرافت خاص خود بیان می کند و در قالب خنده، شوخی و دیگر انواع طنز، نشان می دهد. البته هدف تنها خنداندن نیست، بلکه نیشخند و ریشخند است. خنده طنز، خنده شادمانی نیست، بلکه خنده ای تلخ و دردناک است. «تنها تاریخ نیست که حوادث، رویدادها و جریانهای مختلف جوامع بشری را ثبت و منتقل می کند، بلکه ادبیات نیز با انعکاس هنری مسائل فردی و اجتماعی مددکار تاریخ است» (کیخا و اکبری زاده، ۱۳۹۸: ۱۲۲). طنز، علاوه بر این که آینه ی روح و فکر طنزپرداز است، بازتاب شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زمانه است. هر اثر طنزآلود، بیانگر دردی است (حلبی، ۱۳۶۴: ۱۷). در این میان ادبیات معاصر عربی هم از مقوله طنز بی بهره نمانده و نویسندگان زیادی در این عرصه فعالیت نموده اند. احمد شفیق بهجت یکی از نویسندگان مصری است که در عرصه طنز پردازی فعالیت داشته است. بهجت در نوشته های خود به مسائل و مشکلات اجتماعی و اخلاقی و فرهنگی جامعه مصر با نوعی نگرش خردمندانه اجتماعی و مبتنی بر تفکر و ایدئولوژی و آرمانهای انسانی می پردازد که هدف او اصلاح و تزکیه جامعه اسلامی مصر است. وی متفکر، نویسنده اسلامی و نمایشنامه نویس برجسته مصری با تمسک به مکتب واقع گرایی و بهره گیری از آموزه های

اسلامی از یک سو و استفاده از زبان طنز از سوی دیگر، مسائل و موضوعات معماری، و فرهنگی جامعه خود را در قالب داستان های کوتاه و بلند و با اسلوبی هنرمندانه و شگردهای خاصی نظیر تشبیه طنز آمیز، کوچک نمایی و تحقیر، بزرگ نمایی و ... مطرح می کند. طنز احمد بهجت از نظر محتوایی و مضمونی بیشتر در چارچوب طنز تلخ است که در ورای خنده به بیان واقعیت تلخ و دردناک جامعه اسلامی مصر می پردازد و مخاطب را به اندیشه و تأمل وا می دارد. ضرورت تحقیق در مورد طنز بهجت بر این استوار است که وی در پی خفقان سیاسی زمانه اش از یک طرف و تأثیر بهتر بر مخاطبان بیان غیر مستقیم خود را در قالب طنز برای بیداری جامعه اش و آگاهی آنها به کار گرفت تا کلام خود را به گوش مخاطبان خود برساند. ارائه ی تصویری دقیق و جامع از تکنیک های طنز در جداره های محیط شهری احمد بهجت و نقد اوضاع جامعه مصری ما را با افکار این نویسنده آشنا می کند. روش تحقیق این مقاله از طریق مطالعه و ترجمه آثار طنز احمد بهجت که با استفاده از منابع موجود نظیر کتب، پایان نامه ها، مجلات و شبکه های اینترنت و همچنین مطالعه منابع کتابخانه ای با هدف نقد عناصر بصری در نماها و جداره های محیط شهری صورت گرفته است، روشی توصیفی - تحلیلی می باشد که در نوع خود بی نظیر است. از آن جایی که آثار احمد بهجت به زبان عربی تألیف شده است، بعد از ترجمه آن ها به زبان فارسی تلاش کردیم که تکنیک های طنز وی همچون تحقیر، کودن نمایی، تشبیه و ... را از میان ترجمه های متون طنزگونه اش که با هدف بازخوانی عناصر بصری در نماهای شهری نوشته شده است، استخراج کنیم و سعی نمودیم تصویری دقیق و جامع از اهداف والای اخلاقی و اجتماعی و فرهنگی وی را جهت ارتقا بخشیدن به جامعه مصر که در تألیفاتش جای گرفته بود، ارائه دهیم. سعی نگارندگان در این مقاله بر آن است که در حد مقدور و توانایی به یکی از شاخه های مهم ادب عربی که از جمله اساسی ترین شاخه های آن است، یعنی به تعبیر زبان عربی (سخریه) و به فارسی (طنز) در مورد معماری و محیط شهری پرداخته شود.

طنز در لغت و اصطلاح

طنز واژه ای عربی است که در لغت به معنای افسوس خوردن، مسخره کردن، طعنه زدن، سرزنش کردن و ... آمده است و در میان انواع ادبی به دلیل نقد عیوب و نواقص، به هجو نزدیک است؛ ولی از جهت زبانی، صراحت هجو را ندارد و با ظرافت بیشتری عمل می کند (صدر، ۱۳۸۱: ۶).

اما طنز در اصطلاح ادبی، شعر یا نثری است که با استفاده از طعنه، به تمسخر و نشان دادن معایب، زشتی ها و مفساد فرد و جامعه می پردازد، به بیان دیگر اشاره و تنبیهی اجتماعی است که هدفش اصلاح است نه مردم آزاری. طبیعت طنز بر خنده استوار است، اما برخلاف کمدی، خنده در طنز هدف نیست، بلکه وسیله ای برای نشان دادن کاستی ها و توجه دادن به آن هاست. طنز نویس با درشت نمایی و اغراق در ناهنجاری ها، سعی در آفتابی کردن و نشان دادن اختلاف عمیق وضع نابسامان موجود به صورت آرمانی دارد. کسی که در طنز، مورد انتقاد قرار می گیرد، ممکن است یک فرد خاص یا یک تیپ یا یک طبقه، یک ملت و حتی یک نژاد باشد. طنز را زاده ی اعتراضی تعالی یافته دانسته اند که نویسندگان آن را زیر فشارهای سیاسی و اجتماعی بیان کرده اند (انوشه، ذیل واژه ی طنز). طنز شیوه خاص بیان مفاهیم تند اجتماعی و انتقادی

و سیاسی و طرز افشای حقایق تلخ و تنفر آمیز ناشی از فساد و بی رسمی های فرد یا جامعه را که بیان آن ها به صورت عادی یا جدی، ممنوع و متعذر می باشد، در پوششی از استهزاء و نیشخند، به منظور نفی و برافکندن ریشه های فساد و موارد بی رسمی را بیان می کند (بهزادی اندوهجردی ۱۳۷۸: ۵-۶).

این سبک ادبی واقعیت های روان آدمی یا یک گروه و جامعه انسانی را بزرگ تر نشان می دهد و بدین وسیله به انتقاد و محکوم کردن بدی ها، زشتی ها، نقص ها و به تشویق و ترغیب خوبی ها، زیبایی ها و کمالات می پردازد؛ در نتیجه نقدی است بر نارسایی ها و اشکالات اجتماعی و فردی، اما نقدی سازنده نه سوزنده (حیدری، ۱۳۷۸: ۱۱۸).

شهر

هنگامی که از شهر سخن به میان می آید، در واقع صحبت از مکانی است که بالاترین حد از تمرکز قدرت و فرهنگ یک اجتماع را در خود جای داده است؛ مکان تبلور وسیع ترین شبکه های اجتماعی، جایی که تعلق به آن و اهل آن بودن، نوعی هویت شناختی برای فرد به ارمغان می آورد. تلفیقی از توده و فضا که جز در صورت حضور افراد انسانی در آن، در مرز توده و فضا باقی می ماند و نه نشانگر تمدن، که تنها باقی مانده ای تاریخی یا باستانی از تمدن را به تصویر می کشد (ماجدی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۶۴).

جداره

جداره ها سطوح عمودی تعریف کننده یک معبرند. جداره یا بدنه فضا بخش اصلی کالبدی یک فضا را تشکیل می دهد. در حقیقت این عنصر کیفیت یک فضای و ابسته را مشخص می کند و به آن مفهوم محیطی می بخشد. جداره همواره یک سطح بسته یا وجهی از یک بنا نیست؛ جداره ممکن است:

* یک سطح عمودی بدون بازشو باشد.

* یک سطح عمودی با تعدادی بازشو باشد.

* و یا تنها یک سری عناصر عمودی (ستون یا درخت)، یعنی سطح شفاف با امکان ارتباط بصری (چه ارتباط فضایی امکان پذیر باشد، چه نباشد)، باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱).

محیط

محیط به هر آنچه که در پیرامون وجود دارد و بالقوه دارای قابلیت ارتباط با افراد است اطلاق می گردد، به عبارتی تمام اطلاعاتی است که از اطراف بر فرد ارسال می گردد هرچند که فرد امکان دریافت تمامی این اطلاعات را نداشته باشد. محیط از عناصر مصنوع، طبیعی و ترکیب آنها تشکیل یافته است (زراعت دوست فرد، ۱۳۷۹: ۲۴). ویژگی های ساختاری محیط، تعیین کننده عملکرد آن است. بدین مفهوم که الگوی رفتاری و نقش های اجتماعی را بر ساکنان خود تحمیل می کند یا برخی الگوها و معیارهای رفتاری را تقویت و برخی دیگر را تضعیف می نماید (مرتضوی، ۱۳۸۰: ۲).

زندگی احمد شفیق بهجت

احمد بهجت، که نام کامل او احمد شفیق بهجت است در ۱۵ نوامبر ۱۹۳۲ در شهر قاهره به دنیا آمد. طنزپرداز بزرگ مصری، در رشته حقوق، از دانشگاه قاهره فارغ التحصیل شده است. وی در طول زندگی ادبی - فرهنگی خود مناصب بزرگی را عهده دار بوده است. در سال ۱۹۵۵ در روزنامه «اخبار الیوم» به روزنامه نگاری مشغول بوده و پس از آن در سال ۱۹۵۷ و ۱۹۵۸ همین شغل را در روزنامه «صبح الخیر» و «جریده الاهرام» ادامه داد و سپس در سال ۱۹۷۶ به شغل مهم سردبیری مجله رادیو و تلویزیون، نائل آمد. وی در سال ۱۹۸۲ نیز جانشین سردبیر روزنامه «جریده الاهرام» شد و در قسمت هنری این روزنامه به کار مشغول شد. آثار این طنزپرداز برجسته مصری بیشتر طنز است و به همین علت او را، بیشتر به عنوان نویسنده طنز می شناسند (www.wikipedia.org). این نویسنده طنزنویس در بعضی از مواقع طنز خود را در تکنیک های مختلف مبتنی بر تفکر و ایدئولوژی و آرمانهای انسانی با هدف اصلاح و تزکیه بیان می کند که در ذیل به آن ها می پردازیم:

جدارهای محیط شهری از نگاه طنزآمیز بهجت

امروزه یکی از مهمترین مسایلی که نظر معماران، برنامه ریزان و طراحان شهری را به خود جلب کرده، مسئله لزوم ارتقای کیفیت دید و منظر شهری در چارچوب مؤلفه های بصری - شناختی است (پور جعفر و دیگران، ۱۳۸۸: ۶۶). «هنر اسلامی جلوه حسن و جمال الهی است و حقیقتی که در این هنر محقق شده رجوع به ظهور و تجلی حق تعالی به اسم جمال دارد» حسن و جمال الهی است و حقیقتی که در این هنر محقق شده رجوع به ظهور و تجلی حق تعالی به اسم جمال دارد» (مددپور، ۱۳۷۴: ۱۳۹). زیبایی به عنوان یک واژه فراگیر هم برای درک آثار هنری به کار می رود و هم برای درک محیط. به بیان دیگر، به نظر می رسد طراحان، معماران، شهرسازان علاوه بر آن می بایست از مباحث زیباشناسی اشیاء و آثار آگاه باشند؛ باید بدانند که زیباشناسی محیطی یعنی زیبایی آنچه ایشان مشغول خلق و ساخت آن هستند (شاهچراغی، ۱۳۹۴: ۲۲۶-۲۲۵). نما از مهمترین عناصر منظر شهری محسوب شده و توجه به این موضوع می تواند از بسیاری جهات به مانند افزایش کیفیت دیداری شهر، مثمر ثمر واقع شود. طنز نویس هنگامی می تواند به هدف عالی خود در طنز برسد که طنز وی از روحی بلند و پاک تراوش کند؛ روحی که از مشاهده عمیق و عجیب زندگی، با اندیشه یک زندگی مأمول در رنج و عذاب باشد (نیکو بخت، ۱۳۸۰: ۹۵).

اکنون به تکنیک های مختلف طنز همچون تحقیر، بزرگ نمایی، کودن نمایی، تهگم، تشبیه که با موضوعاتی نظیر معماری، فضای سبز، خدمات شهری، محیط شهری، مسجد، آلودگی صوتی و مدارس در آثار احمد شفیق بهجت، آمده است، می پردازیم:

تحقیر

اساسی ترین شیوه یا ابزار طنزپردازی تحقیر است. طنز پرداز با کاستن قدرت یا بی ارزش کردن قربانی خود از طریق بد جلوه دادن قد و قامت یا شأن و مقام، او را تحقیر و کوچک می کند. اما این تحقیر تنها عامل نیست، طنزپرداز می کوشد به وسیله بازگرفتن همه مقام و شأن از قربانی خود، او را کوچک کند. خلاصه اینکه طنزپرداز برای آنکه حقایق را برای خوانندگان خود به ویژه مردم ساده لوح آشکار سازد، قربانی خود را تحقیر می کند و به هر وسیله ی ممکن که بتواند، حتی به وسیله ی بد دهانی و دشنام زشت قدر و منزلت او را می کاهد (حلبی، ۱۳۷۷: ۵۹-۶۳).

احمد شفیق بهجت با بکارگیری تکنیک تحقیر (کوچک نمایی) به میزان آلودگی صوتی در محیط شهری پرداخته و آن را یک معضل پنهان قلمداد کرده که کمتر به آن پرداخته شده است.

با رشد روز افزون شهرها و شلوغ تر شدن آن ها و استفاده بیش از حد فناوری و وسایل موتوری، آلودگی های محیط زیست شهری نیز افزایش یافته است. آلودگی صوتی نیز به یکی از بزرگترین مشکلات شهرهای رو به رشد تبدیل شده است. این تغییرات فضایی اثرات مختلفی بر روی انسان، فعالیت و سلامت وی می گذارد. به این دلیل ایجاد کیفیات فضایی در فضای شهری به وسیله ادراک حس شنوایی (غنائی حس شنوایی) به یکی از دغدغه های برنامه ریزان شهری و طراحان و روانشناسان محیط تبدیل شده است (کلهرنیا، ۱۳۹۳: ۵۸).

بهجت در داستان «الجمال و القبح» می گوید: «دوستی داشتیم که مدت بیست سال در اروپا و در قلب لندن زندگی می کرد. وی به زیبایی عشق می ورزید و از زشتی متنفر بود و از آن دوری می کرد، اما به خاطر شغلش به مصر بازگشت. پس از بازگشت به قاهره، از سر و صدای خیابان و از آلودگی ماشین های دودزا گله می کرد. اما خیلی زود خودش هم در خیابان با صدای بلند صحبت می کرد ولی دوست ما بعدها عادت کرد به هنگام صحبت در خیابان، صدایش را بالا ببرد. دوست ما آنچنان از این وضعیت عصبانی و شاکی بود که نزدیک بود سلامتی اش را از دست بدهد یا تلف شود، اما پس از مدتی دیگر نه عصبانی می شد و نه گله ای داشت، گویا در ناامیدی مطلق خود را با شرایط موجود و یا بهتر بگوییم با زشتی وفق داده بود. هنگامی که انسان به زشتی عادت می کند، دیدگاهش تغییر می کند و با گذشت زمان احساسش نسبت به زشتی ها عقب نشینی می کند و به جای آن تسلیم قضا و قدر می شود تا حدی که زشتی ها احساساتش را جریحه دار نمی کنند بلکه بخشی از زندگی روزانه اش می شوند در چنین حالتی زشتی قبضش را از دست می دهد و به یک واقعیت تبدیل می

شود. اینچنین دوست ما بعد از سلامتی اش گرفتار بیماری گردید؛ در حالیکه ما تصور می کردیم که وی شفاء یافته است» (بهجت، ۱۹۹۴: ۱۰۴).

احمد بهجت با طنز خنده دار خود ایرادی از ایرادهای جامعه شهری مصر را بیان می کند و راه فراری جز خو گرفتن با آن زشتی ها و عادت کردن به آنها نمی بیند. وی در ادامه می گوید: «جامعه مصری درست شدنی نیست. دوست ما که در لندن بود، وقتی به مصر آمد شروع به گلایه کرد. چرا که مشکلات زیادی در جامعه مصری وجود دارد و افراد بسیاری هم به او ایراد می گرفتند؛ ولی حق با دوستم بود. زیرا می خواست جامعه اش را اصلاح کند اما وقتی دید که جامعه اش اصلاح نمی شود، خودش را با آن وضعیت تطبیق داد و سازش کرد. وقتی ما دیدیم که او ساکت شده است گمان کردیم که او شفاء یافته است در صورتی که او مثل ما مریض و بیمار گشت و در واقع وی شفاء نیافته بود. وقتی از لندن به مصر با طرز فکر سالم آمد، ما او را بیمار دیدیم. اما وقتی مثل ما شد، گفتیم شفاء یافته است در صورتی که عکس این مسأله اتفاق افتاده و مثل ما بیمار شده بود. به هر حال هنگامی که انسان به زشتی عادت می کند، آن را از زاویه ای دیگر زیبا می بیند» (بهجت، ۱۹۹۴: ۱۰۴).

بزرگ نمایی

در مقابل شیوه کوچک کردن، متد بزرگ کردن هم وجود دارد و گاهی طنز نویس از آن استفاده می کند. در بزرگ نمایی نویسنده می کوشد بسان رسم های دیکتاتوری با برجسته تر نمایاندن نقاط کاستی و ناراستی توجه مخاطب را بدان جلب کرده و نوعی مقابله و سرزنش عمومی در برابر آن پدید آورد (شرف ۱۹۹۲: ۳). نکته مهم در بزرگ نمایی این است که شکل ظاهری اثر بایستی بسان یک اثر جدی حفظ گردد. به عنوان مثال رابرت برنز اثری به نام مناجات ویلی مقدس دارد که شکل اثر دقیقاً بسان مناجات فرقه کالونیست است؛ ولی لحن وی و اشاراتش گاهی طنزآمیز می شود و همین اشاره های کوتاه کافی است تا مخاطب، فکاهی بودن و تمسخر جمود فکری و خود پرستی قهرمان را دریابد (جوادی، ۱۳۸۴: ۲۳-۲۵). بهجت با تکنیک بزرگ نمایی به فضای سبز که ترکیبی است از معماری، نقاشی، مجسمه سازی، ادبیات، جغرافی، محیط زیست و جامعه شناسی است و حامل پیامی برای ناظران می باشد، پرداخته است.

فضای سبز یک محیط شهری بر خلاف معنایی که ممکن است در عموم القا کند، تنها مکانی پوشیده از درخت- گیاه و جدول کشی شده نیست، بلکه نمادی است از تفکرهای فرهنگی و اجتماعی یک جامعه و حوزه ی شمول آن نیز، تنها پارک ها را در بر نمی گیرد. طراحی فضای سبز محدود به استفاده از گیاهان و عناصر دیگر نیست، بلکه ترکیبی است از معماری، نقاشی، مجسمه سازی و ادبیات و جغرافی، محیط زیست، جامعه شناسی و ... است که هر کدام از این رشته ها از همه امکانات خود برای به نمایش گذاردن احساسات و روحیه افراد بهره می برند و در واقع حامل پیامی برای نظاره گران هستند.

درک حسّی مکان تا حدّ زیادی بصری است و از سوی دیگر گیاه به عنوان یک موجود زنده ی فیزیکی ویژگی هایی دارد که با استفاده از ارتباطات بصری، زیبایی و تناسب آن نسبت به فضا و کاربری درک می شود. تمام هنرهایی که در جریان آفرینش آنها حسّ بینایی عامل اصلی باشد، هنرهای بصری نامیده می شود. وجود و عدم وجود ارتباطات بصری منجر به احساس لذّت و خوشایندی یا بی تفاوتی و ناخوشایندی می شود (تقی زاده، ۱۳۹۰: ۱۲۷-۱۲۸).

نویسنده در رمان تخیلی «تحتمس ۴۰۰ بشرطه» درباره دیدار نخست وزیر از پایگاه پرتاب موشک فضایی «زینهم» و دستور رئیس پایگاه در خصوص درختکاری و گل کاری و زیبا سازی سوری و موقت محوطه جهت خرسندی و شادمانی نخست وزیر می نویسد: «مسئول پایگاه فضایی زینهم صبح هنگام با صدای تلفن خانه اش بیدار شد ... صدا از طرف دیگر تلفن گفت: «من مدیر امنیت قاهره هستم.» مسئول گفت: «خیلی خوشحال شدم ...» در خدمتم. مدیر امنیت گفت: «فردا نخست وزیر به پایگاه زینهم می آید. می خواهیم که خبر پنهان بماند و تمام مسائل امنیتی را اجرا کنی ... از طرف دیگر می خواهیم تابلوهای زیبا نصب نمایی و تپه های پایگاه را پاکیزه کنی و در آنجا گل و درخت بکاری تا نخست وزیر از دیدن آنها خوشحال شود ...» مسئول گفت: «پاکیزه کردن تپه های زباله توسط ماشین ها استناداری ممکن است؛ اما گل کاری و درخت کاری تپه ها در یک روز غیر ممکن است.» مدیر امنیت گفت: «می توانی درخت ها و گل ها را از سطح شهر قاهره بکنی و موقت در تپه ها بکاری و بعد از بازدید نخست وزیر، آنها را به مکان اصلی شان برگردانی ...» مسئول بعد از این که مدیر امنیت تلفن را قطع کرد، سرگردان در رختخوابش نشست و با افسر بازرسی تماس گرفت، افسر با خواب آلودگی پاسخ داد و گفت: سرورم موضوع چیست؟ مسئول گفت: «نخست وزیر فردا به پایگاه فضایی می آید» ... می خواهیم گل و درخت بکاریم. افسر بازرسی گفت: «این کار آسان است، درخت ها و گل ها را از نزدیک ترین منطقه می کنیم و آنها را در تپه ها به صورت موقت می کاریم و بعد به محل اصلی شان بر می گردانیم، ما از این کارها در قاهره بسیار انجام داده ایم؛ اما جنابعالی قبلا این کار را انجام نداده اید. هر یک از مقامات به زینهم بیاید، برایش درخت و گل می کاریم.» مسئول گفت: «خیلی عالی و تلفن را قطع کرد و به تختخوابش برگشت» (بهجت، ۱۹۹۴: ۱۱۶- ۱۱۸). نویسنده بر این نکته تاکید دارد که مصر با توجه به قدمت باستانی که در پروژه های بزرگی مثل (اهرام ثلاثه)، (ابوالهول) و (افتتاح کانال سوئز) و ... دارد، متأسفانه امروزه در میان حجم وسیع و نازیبای تابلوها و بنرهای ناهماهنگ و نامتناسب تبلیغاتی محصور شده است که به نماد افتتاح پروژه های ناقص و مشکل دار بدون توجه به محیط شهری و معماری تبدیل شده است. وی معتقد است که تمایل به جنبه تبلیغاتی در افتتاح پروژه ها در محیط شهری بر وجه فنی و کیفی آن ارجحیت دارد. از همین رو برخی

پروژه های شهری در کشورش پیش از تکمیل بدون رعایت کامل استانداردها افتتاح می شود و تصاویر افتتاحیه آنها هم از شبکه های مختلف تلویزیونی و ... منتشر می شود؛ اما متعاقباً برخی مشکلات برای شهروندان بوجود می آید. بنابراین می طلبد که مسئولین عزمی راسخ و مدیریتی جدی داشته باشند که چنین کارهایی برای یک کشور متمدن اسلامی شایسته نیست.



تصویر شماره ۱: مجسمه سر فرعون در خیابان قاهره

www.fa.alalamtv.net

کودن نمایی

یکی دیگر از ابزارهای طنزپردازی تحامق یا کودن نمایی است. کودن نمایی آن است که ما چون بر حماقت رایج در میان یک طبقه صریحاً نمی توانیم انتقاد بکنیم، خود را به نابخردی و حماقت می زنیم و وانمود می کنیم که نابخردی طبقات ممتاز را تأیید می کنیم و با آنها به کارهای ناروا و مسخره و خنده انگیزشان می خندیم. علت اینکه بیشتر کسانی که به تحامق یا کودن نمایی پرداختند مردمانی ابله و کودن نبوده اند. بر خلاف، بسیاری از آنها بسیار هوشمند بوده اند و در شناخت بیماری اجتماعی و نابسامانی های روزگار و زمانه خود، از مردم عصر بصیرتر و بیناتر بوده اند. پس بی دلیل نبوده که هزل گوین معتمدند تحامق، احمقان را آشکارتر می سازد. برخی از عقلاء نیز برای دفاع از حقیقت و نیز امر به معروف و نهی از منکر تحامق می کردند و از طریق کودن نمایی و گفتن سخنان ظاهراً هزل آمیز به تنبیه مردم و طبقات حاکم می پرداختند (حلبی، ۱۳۷۷: ۷۲-۷۶).

بهجت با تکنیک تحامق خود را به نابخردی و حماقت می زند و درباره وضعیت عبور و مرور در خیابان های کشورش بعنوان محیط شهری با زبان طنز به انتقاد از مسئولین شهری می پردازد تا آنها را به تکاپو برای حل مشکل وادارد. زیرا

امور توزیع خدمات شهری مانند شهرسازی و نظارت بر توسعه و عمران شهر، رفت و روب، دفع زباله و نظافت شهر، توزیع خدمات اجتماعی، حمل و نقل شهری، بهبود ترافیک شهرداری بهبود سیمای شهری و ... یکی از رکن های اساسی و حیاتی در توسعه اجتماعی، عمرانی و آبادانی شهرها، نقش تعیین کننده ای را بر عهده دارد (مهر افزون، ۱۳۹۶: ۱۹۴). وی درباره عقب ماندگی کشورش از نظر فضای شهری، امکانات و رفاه در مورد خیابان مناسب برای عبور و مرور می گوید: «الان کسی که راه می رود زودتر از سواره می رسد. آیا راه رفتن را امتحان کرده ای؟» (بهجت، ۲۰۰۸: ۵۴).

احمد بهجت با زبان طنز، وضعیت اسفبار فضای شهری، خیابان ها و زندگی در مصر را به بوته نقد می کشد و اینکه وضعیت خیابان ها و مدیریت ترافیک در کشورش نابسامان است تا جایی که شهروندان پیاده زودتر به مقصدشان می رسند که خود حاکی از آن است که مردم از حداقل امکانات شهروندی محروم می باشند. معابر شامل: خیابان ها، کوچه ها و پیاده روها برای آمد و شد است و روان سازی آمد و شد، حق مردم و پاسداری آن به عهده مدیران شهری است که در مصر به آن توجه نمی شود. از نظر بهجت عدم تحقق مدیریت شهری، نبود الگویی مناسب برای ساخت و سازهای شهری، عدم بکارگیری نیروی انسانی متخصص و تبعیت نکردن از قانون و برنامه گریزی و بسیاری از معضلات دیگر، تهدیداتی است که امروز عرصه شهرسازی کشور مصر را تهدید می کند.



تصویر شماره ۲: نمای از ترافیک و بی نظمی خیابان قاهره در مصر

مآخذ www.pinterest.com

تهگم

در لغت معنی مسخره کردن، استهزاء و دست انداختن، شکسته و ویران شدن و فرو ریختن چاه می دهد و در لغت نامه ی دهخدا آمده است، تهگم یعنی خندستانی و خندستانی کردن یعنی مسخره کردن (اصلائی، ۱۳۹۰: ۹۴). در لسان العرب تهگم از لحاظ لغوی به معنی بالاتر بر شمردن و جلوه دادن خود با تکیه بر رفتاری متبکرانه و غرور ورزیدن سرمستانه می

باشد. همچنین معنی شرّ رساندن و به بازی گرفتن مردم و تمسخر و استهزای مغرورانه هم در آن هست و در معانی ریشه ای تر آن نیز معنی خراب شدن و فرو ریختن نیز وجود دارد (ابن منظور، ۱۹۷۷، ج ۶: ۳۴۴).

بہجت با بکارگیری تکنیک تہکم بہ وضعیت جدارہ های محیط شهری در کشورش پرداختہ است و با زبان طنز آنها را با خرابہ های عصر جاہلیت کہ شاعر بر روی آنها می ایستاد و معشوقہ اش را توصیف می کرد، مقایسہ می کند.

امروزہ اهمیت محیط های مسکونی شهری بہ عنوان سکونتگاہ های اصلی مردم، روز بہ روز در حال افزایش است. بہ طوری کہ این محیط ها در وهلہ اول ابزار مهمی برای توسعہ انواع شاخص های زندگی نظیر سلامت، خانوادہ، کار یا فراغت و ... را فراهم می آورند. دوم اینکہ، جمعیت زیادی در نواحی بہ شدت شہرنشین شدہ، زندگی می کنند و یا در آیندہ ای نزدیک زندگی خواهند کرد کہ می بایست بہ کیفیت محیط سکونت آنها توجہ ویژہ شود (رفیعیان، ۱۳۹۱: ۱۰). موضوع کیفیت محیط شهری از جملہ موضوعات مورد توجہ برنامه ریزان شهری و کارشناسان حوزہ های مختلف علوم انسانی، بخصوص در دہہ های اخیر بودہ است. بہ طور کلی کیفیت محیط شهری را می توان این گونه تعریف کرد: کیفیت محیط شهری عبارت است از شرایط اجتماعی-فرہنگی و کالبدی محیط شهری کہ نشان دہندہ ی میزان رضایت شہروندان از آن محیط می باشد؛ در واقع «یک محیط با کیفیت بالا، حس رفاہ و رضایتمندی را بہ جمعیتی کہ در آن ساکن اند بہ واسطہ ویژگی هایی کہ ممکن است فیزیکی، اجتماعی یا نمادین باشند، منتقل می کند» (بہرامی نژاد، ۱۳۸۲: ۴۴).

بہجت در داستان «وقفہ علی الأطلال» دربارہ وظایف شہرداری با یادآوری خرابہ های زمان جاہلیت و ارتباط آنها با اوضاع امروز با زبان طنز می گوید: «یکی از سنت های گذشتگان ما، بہ خصوص شاعران عرب این بود کہ شعرهایشان را با ایستادن بر روی خرابہ های معشوق و گریہ کردن برای او آغاز می کردند. این خرابہ ها امروز نیز در زندگی ما موجود ہستند همانطور کہ در زندگی گذشتگان ما بودند و منتظرند تا کسی بیاید و بر روی آن ها بایستد و شعر بسراید» (بہجت، ۱۹۹۴: ۸۴). وی از انباشتہ شدن پسماندا در پیادہ روہای سطح شہر سخن می گوید و اینکہ تودہ های آشغال بہ قدری بلند است کہ شہروندان ساکن طبقات بالا می توانند از آنها بہ عنوان پلکان از راہ پنجرہ برای خروج از خانہ های خود استفادہ کنند. همچنین دربارہ خرابہ های مجاور اتاق خوابش می نویسد: «این خرابہ ها تا نزدیک طبقہ چہارم کہ من ساکن آن ہستم، بالا آمدہ اند و بعد از دہ یا بیست سال، پایین آمدن از پنجرہ اتاق خواب از پایین آمدن از پلہ ها برای من آسانتر خواهد شد و این یک دستاورد انقلابی است برای کسانی کہ در طبقات بالای ساختمان زندگی می کنند» (بہجت، ۱۹۹۴: ۸۵). و اینکہ در فصل تابستان کہ ہنگامہ ہجوم و یورش مگسان است، باید در کنار این خرابہ ها بایستم و با گریہ کردن خاطرات گذشتہ را بہ یاد آوریم. «من در ویرانہ نگاہ کردم و با خود گفتم: فردا تابستان حملہ می کند و

سریال تکراری «حشره کش ها برای مگس ها مهم نمی باشند» آغاز می شود، در این هنگام که انسان احساس خطر می کند چاره ای جز ایستادن بر خرابه ها و مرور خاطرات و گریستن نخواهد داشت» (بهجت، ۱۹۹۴: ۸۵).

احمد بهجت با بکارگیری تکنیک تهکم به یک مسأله اجتماعی-عدم بهداشت- اشاره می کند و اینکه جمع آوری زباله و نظافت شهر از وظایف شهرداری است و بدین منظور خرابه های زمان شاعران جاهلی را دست مایه ای برای طنز خود قرار می دهد و متولیان شهر قاهره را به دلیل عدم محافظت از مناظر زیبا و جداره های محیط شهری نکوهش می کند «این خرابه ها و عدم بهداشت من را به یاد گذشته می اندازد که بر روی آن خرابه ها بایستم و شعرم را بسرایم، یعنی ای شهرداری و متولیان بهداشت شهر به وظایف خود بپردازید و شهر را از آلودگی و ناپاکی تمیز کنید.» (بهجت، ۱۹۹۴: ۸۵).

زیرا احساس آرامش خاطر، نشاط و وجود حس سرزندگی یکی از نیازهای روحی انسان و مهم ترین شاخص کیفیت فضا است. انبوهی از فضاهای خراب و دل مرده، سرد و بی روح در شهرها تحت تاثیر ناهمگونی و آلودگی بصری مشاهده می شود که به دور از هرگونه زیبایی و مطلوبیت، هیچ گونه معنا، مفهوم و عملکردی را القا نمی کنند. این اغتشاشات بصری، چهره ای ناخوشایند و نامطلوب یافته اند که هیچ گونه جذابیت و زیبایی در آن ها وجود ندارد (طیبیان، ۱۳۹۵: ۱).



تصویر شماره ۳: تصویری نامناسب از سکونت گاه شهر قاهره

مآخذ: banki.ir

همچنین بهجت با این تکنیک طنز به مسجد که زیربنای معماری ارزشی می باشد، توجه می کند و می گوید: «متأسفانه حضور مردم در مساجد با این معماری زیبا، بسیار کمرنگ شده است؛ در حالیکه مکان های دیگر نظیر قهوه خانه ها روز به روز شلوغ تر می شوند» (بهجت، ۲۰۰۰: ۱۴۹).

معماری در اسلام با مسجد آغاز می شود، زیرا اولاً قرآن معماری مسجد را صفت مومنان به خدا و قیامت و نیز نمازگزاران و زکات دهندگان دانسته (توبه آیه ۱۸)، ثانیاً مسجد تمامی کارکردهای معماری را یک جا در خود جای داده و نه تنها محل عبادات بلکه مکانی برای مدیریت تمامی اموری بوده که مسقیم یا غیر مستقیم به این امر ارتباط داشته است (بلخاری قهی، ۱۳۸۴: ۳۴). تکرار واژه مسجد در قرآن و تأکید بر نقش آن، نشان دهنده اهمیت و جایگاه ویژه مسجد در جامعه اسلامی و شهرهای مختلف آن است. مسلمانان در طول زمان تلاش کرده اند این حس زیبایی دوستی را در کالبد مساجد به تصویر کشیده و به خلق فضاهایی بپردازند که ضمن برآورده کردن نیاز پرستش و عبادت، برآورنده حس زیبایی شناختی آنان نیز باشد (ستاری فرد، ۱۳۹۴: ۱۴۳-۱۴۴). کتیبه ها در دوره های اسلامی علاوه بر کاربرد زیبایی شناسانه که حاصل وحدت عناصر خط و نقش در آن هاست، وسیله ای هستند پیام رسان و انعکاس دهنده کلام خدا هستند (مکی نژاد، ۱۳۸۸:

(۸۷)

همچنین در داستان «یوم القیامه» درباره عدم توجه و عنایت مردم به مسجد به عنوان مکانی برای عبادت و حضور پر رنگ مردم در اماکن دیگر از جمله قهوه خانه ها با زبان طنز می گوید: «معلم عبده» احساس کرد که هوای قهوه خانه اعصابش را به هم می زند ... در مورد ازدحام جمعیت در قهوه خانه به فکر فرو رفت ... و در مورد مسجد نزدیک خانه اش نیز اندیشید ... مسجدی که در طول هفته پر از هوا است و فقط در روز جمعه از هوا تهی می گردد» (بهجت، ۲۰۰۰: ۱۴۹). وی سطحی نگری در دین را زیر سؤال می برد و می نویسد: «قهوه خانه ها هر روز پر از مردم اند؛ ولی مسجدها با اینکه مرکز آموزه های معنوی و باورهای فرهنگی و دارای زیربنای معماری ارزشی می باشند، همیشه خالی اند و مردم تنها در روز جمعه آن هم برای نماز جمعه به آنجا می روند که نشان از بی توجهی هموطنانش به دین است. تجمل گرایی و فعالیت های تفریحی مراکزی همچون قهوه خانه از یک طرف و عدم توجه به اوقات فراغت مردم از طرفی دیگر باعث شده است که مردم به چنین مراکزی روی آورند و از مساجد دوری گزینند و دین گریز و سردرگم شوند.» (بهجت، ۲۰۰۰: ۱۴۹). بنابراین باید نهادهای متولی، راهکارهای عملی و تدابیر آموزشی را با ارائه طرح دینی بر مبنای روش تربیت الگویی آموزه های قرآنی و معارف ارائه دهند. وجود مراکز مذهبی همچون مسجد در دوره های مختلف تاریخی از چنان اعتباری برخوردار بوده که دلایل عمده توسعه شهرها محسوب می شده است. میلیون ها نفر هر ساله در دنیا سفر می کنند تا به الوهیت نزدیک شده یا به اهداف روحانی خود با بازدید از اماکن مذهبی و مقدس برسند. رشد و توسعه بقاع متبرکه جهت پاسخگویی به نیازهای

مادی و معنوی زائران، بر روند توسعه شهرنشینی تأثیر مستقیم دارد و مطالعه چگونگی این تأثیرگذاری ها در توسعه شهرنشینی از اهمیت فراوانی برخوردار است (ستاری فرد، ۱۳۹۴: ۱۴۴-۱۴۳). غنای محتوایی عناصر ساختاری و تزئینی مساجد، نشانگر قابلیت های این سازه اسلامی از منظر تحلیل معناکاوانه است. نمادها به عنوان یکی از مهم ترین ابعاد زیبا شناختی شهرهای اسلامی مطرح شده اند (لاری پور و دادور، ۱۳۹۸: ۷۲).



تصویر شماره ۴: تصویری از قهوه خانه ای در مصر

مأخذ: wisgoon.com

نگاه احمد بهجت به دولتمردان مصر در آثار متعدد خود، پیوسته منفی بوده است. در داستان کوتاه «زیاره الحسین» از مجموعه داستانی «مذکرات صائم» به بی سلیقگی و بی ذوقی و بی تدبیری دولتمردان کشورش در لا به لای این داستان کوتاه اشاره دارد. برای این نویسنده طنزپرداز، تخریب یک قهوه خانه صد و پنجاه ساله سنتی که یک اثر ملی از اوایل قرن بیستم مصر حساب می آید و به پا کردن قهوه خانه ای جدید به جای آن تا حدی که صاحب آن آقای الفیشاوی دقمرگ گردید، بسی تلخ و در عین حال خنده دار به نظر می رسد. «در همه کشورهای مختلف جهان از آثار قدیمی محافظت می شود و از تخریب آنها ممانعت می ورزند و تخریب کنندگان را مجازات می کنند و برای رونق بخشی به صنعت توریستی، آثار باستانی را ترمیم می نمایند اما اینجا یکی از نابغه ها تصمیم گرفت که قهوه خانه فیشاوی قدیم را تخریب و به جای آن یک قهوه فیشاوی جدید بنا کند» (بهجت، ۱۹۹۰: ۵۳). در ادامه و در همین داستان به موضوع احداث یک هتل توریستی در منطقه (حی الحسین) که منطقه ای کاملاً مذهبی است اشاره می کند و آن را دستمایه ای جهت ترسیم خنده بر لبان خواننده قرار می دهد: «در این منطقه کهن از شهر قاهره، ستون های سیمانی عظیمی که به پادگان های ارتش انگلیس در منطقه (قصر النیل) شبیه است، برافراشته می شود و زمانی که می پرسی این چیست که دارند می سازند؟ به

شما می گویند: این یک هتل توریستی شرقی زیباست، در چنین حالی مؤذن مسجد امام حسین مقابل یک زن توریست غربی که با لباس عریان در بالکن اتاقش در یک هتل توریستی در حال تماشای منظره اطراف است، برای اذان گفتن بر مناره می رود» (بهجت، ۱۹۹۰: ۵۴). بهجت می خواهد بگوید که مساجد اسلامی، علاوه بر جلوه ای از زیبایی های بصری و نمونه بارزی از تلفیق فرم های نمادین با باورهای عمیق اعتقادی است. این معانی همچون منابع الهامشان جز با سمبل ها و تشبیهات به بیان نمی آیند، چنان که قرآن و دیگر متون دینی برای بیان حقایق معنوی به زبان رمز و اشاره سخن می گوید (احمدی ملکی، ۱۳۸۴: ۱۳۵-۱۳۶) برخی صاحب نظران، چنین هنری را عرفان دیداری قلمداد کرده اند، ویژگی ای که فقط در هنر دینی می توان نشانی از آن یافت (رضایی، ۱۳۸۹: ۱۵۱)



تصویر شماره ۵: مسجد امام حسین (ع) در قاهره

مآخذ: fa.advisor.travel

تشبیه

تشبیه یکی دیگر از ابزارهای طنزپرداز است، بخصوص زمانی که طنز نویس موضوع مورد انتقاد خود را با جزئیات توصیف می کند و یا با مقایسه ی خوب و بد، تضادها را نشان می دهد و به مخاطب می قبولاند که موضوعات مورد انتقادش، شبیه مواردی است که مخاطب نیز آن ها را نمی پذیرد. طنزپرداز با استفاده از تشبیه، معنی خرد را بزرگ می کند و معنی بزرگ را خرد، نیکو را در صورت زشت باز می نماید و زشت را در صورتی نیکو نمایش می دهد (بهزادی اندوهجردی، ۱۳۷۸: ۱۵۶). احمد بهجت در داستان «القانون الدراکیولی» با به کارگیری تکنیک تشبیه، روند ساخت وساز آپارتمان در شهر قاهره را به دراکولایی خون آشام تشبیه کرده است. در این داستان قوانین دراکولایی به مردم حمله می کند و رعب و وحشت را در دل ایشان ایجاد می کند تا حدی که خون را در رگ های مردم خشک می کند و موهای سرهایشان سیخ می گردد.

و اینکه یکی از این قوانین که سرتیتر روزنامه ها را به خود اختصاص می دهد تخریب و بازسازی ویران کردن ساختمان های بنا شده با عمر پنجاه سال که می خواهند آن ها را به شکل وسیع تر بازسازی کنند؛ در صورتی که جواز تخریب ساختمان صد سال بعد از ساختن آنهاست: «به عنوان نگاه کردم و پرسیدم: چگونه ساختمان ها خراب می شوند تا به شکلی وسیع تر ساخته شوند ... آیا صاحب ساختمان، خانه اش را که بیست طبقه می باشد، خراب می کند تا به جای آن ده آپارتمان بزرگتر یا سی آپارتمان کوچکتر بسازد ... متوجه شدم که در عنوان خطایی صورت گرفته است و این واژه بزرگتر از روی سهو نوشته شده است و در واقع باید بجای عبارت بزرگتر، از واژه کوچکتر استفاده شود. بنابر قوانین گذشته ساختمان ها بعد از صد سال از ساخت آنها، فرسوده و بار دیگر ساخته می شدند. اما الآن بعد از واژه خنده دار دراکولایی اجازه داده شد که بعد از پنجاه سال خراب و دوباره ساخته شوند و سه چهارم ساختمان های مصر عزیز پنجاه سال پیش ساخته شده اند و ساختمان هایی مانند (أهرام) و (أبوالهول) وجود دارند که چهار هزار سال پیش ساخته شده اند ... آیا دولت، أهرام را برای ساختن آپارتمان های بزرگتر از آن خراب می کند» (بهجت، ۱۹۹۴: ۱۴). وی قصد دارد زبان تلخ طنز این مطلب را بازگو کند که ما در کارهایمان همیشه مکر و حيله گری داریم و به دنبال عوام فریبی از طریق قوانین عجیب و غریب هستیم. برای مثال ساختمانی که بیست واحد است آن را خراب می کنند تا در همان مترها ساختمانی بزرگتر بسازند! حال آنکه حقیقت گویای آن است که آپارتمان های کوچکتر جای آنها را خواهند گرفت و اینکه قانون در مصر مثل دراکولا است که همه چیز را نیست و نابود می کند و با این قوانین علاوه بر عوام فریبی، معماری ساختمان ها را به هم می ریزند و ناهمگونی در محیط شهری ایجاد می کنند.



تصویر شماره ۷: ساختمان بدون استحکام عصر جدید

تصویر شماره ۶: هرم مصر عصر قدیم

مآخذ: www.khabaronline.irمآخذ: Fa.sayfamous.com

همچنین احمد بهجت با تشبیه مدارس کشورش به آغل گوسفندان به چگونگی معماری فضای مدرسه و کلاس پرداخته است که مسئولان باید به معماری مدارس که جزئی تفکیک ناپذیر از آموزش است، توجه ویژه ای داشته باشند. چرا که در معماری مدارس توجه به خواسته ها و نیازهای کودکان الزامی است. یکی از عوامل مؤثر تربیتی در آموزش و پرورش نوین، چگونگی معماری فضای مدرسه و کلاس است. در تعلیم و تربیت جدید، فضای فیزیکی مدرسه، نه تنها یک محیط خشک و بی روح و فاقد تأثیر در فرایند یاد گیری محسوب نمی شود بلکه به عنوان عاملی زنده و پویا در کیفیت فعالیت های آموزشی و تربیتی دانش آموزان ایفای نقش می کند (حسین پور و نجفی، ۱۳۶۴: ۱۰). لازم به ذکر است که «نخستین مبتکران ایجاد مدارس (به طور مستقل) در جهان اسلام، دو امپراتوری هم عصر یعنی فاطمیان در مصر و سلجوقیان در ایران بودند و این سنت به مرور در سایر جوامع اسلامی گسترش یافت» (آقاداودی و زکریایی، ۱۳۹۶: ۱۷۱).

بهجت در داستان «المدرس» در این باره می نویسد: «صدای زنگ اول شنیده شد و گوسفندان به آغل خود وارد شدند تا با قاشق دارو، اولین درس از درس های صبح را بخورند. دسته ی زنگ مدرسه شکسته شده بود و به جای آن، طناب کوچکی آویزان کردند که نمایانگر کوتاهی و سستی و بی مبالاتی در زندگی ما می باشد ... تا جایی که اگر بچه ها بزرگ شدند و در خانه شان لوله آبی پوسید، به جای این که آن را تعمیر کنند، آن را با طنابی ببندند همانگونه که در مدرسه به آنها یاد داده اند. معلم وارد کلاس شد و تخته را با تکه پارچه ای که شبیه دستگیره های آشپزخانه همسرش است پاک کرد ... با صدای ناهنجار آزاردهنده و با خط بد، درس را روی تخته نوشت و رو به بچه ها کرد و با دهان باز، درس را شروع نمود» (بهجت، ۱۹۹۸: ۹۲-۹۳). در این بخش از داستان بهجت با زبان طنز دانش آموزان را به گوسفند و کلاس درس را به آغل و درس را به دارو و تخته پاکن را به دستگیره آشپزخانه تشبیه می کند. وی بر این باور است که یکی از عوامل که موجب دلزدگی دانش آموزان از مدرسه می شود، محیط خشک و بدون جذابیت آن است. وی می گوید: «متأسفانه مدارس ما دارای محیطی فرسوده و معماری خشک هستند و از نظر فضای سبز، تزئینات و رنگ آمیزی و نورگیر بودن کلاس ها در وضعیت نامطلوبی به سر می برند. دانش آموزان شیوه ها و راه های انحرافی را در مدرسه آموزش می بینند که همه این ها بیانگر بی کیفیتی و بی برنامهگی آموزش است که در سایه آن دانش آموزان و معلم ها انگیزه ای برای یادگیری و آموزش ندارند.

همانگونه که مطالعات نشان می دهد آن دسته از کودکانی که در مدارس با کیفیت بهتر فضایی درس خوانده اند، پیشرفت های آموزشی بیشتری داشته اند. برای چند دهه مهندسين، معماران، روانشناسان و آموزش دهندگان، نقش نور و رنگ و

بازی را در محیط ساخته شده در یادگیری و رفتارهای موفق اجتماع مورد توجه قرار دادند. مطالعات، همچنین بر تأثیرات منفی سر و صدای زیاد در محیط های یادگیری تأکید می کنند (مظفر و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۸).

بهجت وضعیت زندگی در جامعه مصر را همچون جهنم می داند و از زبان یک دانش آموز می گوید: «معلم دینی ما زیاد از جهنم می گوید و شعله هایی که از آن زبانه می کشد، را توصیف می کند. اما تصور من از جهنم ساده تر است. ممکن نیست جهنم با زندگی امروزی تفاوتی داشته باشد ... شکل مدارس، نبود سبک و سیاق و تفریح و خوشی از زندگی دلیلی بر این ادعا است. من می خواهم روزه بگیرم تا از این زندگی تکراری نجات پیدا کنم. چون من خر نیستم و فقط خر است که با تکرار، چیزی را می آموزد. خدا را شکر که ما را از آتش نجات داد» (بهجت، ۱۹۹۸: ۱۰۰-۱۰۱).

همانطور که می بینیم احمد بهجت با طنز تمثیلی تلخ از وضعیت اسفبار زندگی معیشتی و معماری در کشور مصر سخن می گوید و آن را به جهنم تشبیه می کند. او وضعیت بد زندگی روزانه انسان مصری را به وضعیت زندگی خر تشبیه کرده است که هر روز فقط تکرار می شود و هیچ بهره ای از آن نمی برد.



تصویر شماره ۷: مدرسه شهید شحاته در مصر

مأخذ: antisoftwar.blogfa.com

نتیجه‌گیری

طنز یکی از صنعت‌های ادبی است که با بیانی شیرین و جذاب، زشتی‌ها و کاستی‌ها را نمایش می‌دهد و مخاطبان خود را با ایجاد تبسمی معنا دار به تفکر برای اصلاح وضع موجود وا می‌دارد. طنز وسیله‌ای برای بیان و انتقال هدف مورد نظر از نویسنده به خواننده است. در این راستا احمد بهجت طنزپرداز مصری، ابعاد مختلفی از فضای شهری را دستمایه‌ای برای خلق آثار ادبی طنزگونه خود - با هدف توجیه و ارشاد مردم - قرار داده است. طنز نوشته‌های بهجت با همه دقتی که در زمینه جداره‌های محیط شهری و آثار منفی و مثبت آن در جامعه داشته - متأسفانه - کمتر مورد توجه کارشناسان و اهل فن، قرار گرفته است و با ضرس قاطع می‌توان گفت که آثار طنز احمد بهجت در بیان کژی‌ها و ناراستی‌های فضای شهری در کشور اسلامی مصر یکی از دستاوردهای بی‌نظیر است. این در حالی است که لزوم توجه و ضرورت بازنگری در این مقوله هنگامی خود را نمایان می‌سازد که آن را به عنوان عرصه‌ای حیاتی در پاسخگویی به نیازهای انسانی حتی در بالاترین و عالی‌ترین سطوح، مورد بررسی و مطالعه قرار دهیم. احمد شفیق بهجت با استفاده از تکنیک‌های مختلفی همچون تحقیر، کودن‌نمایی، تهکم، تشبیه و غیره، اوضاع نابسامان اجتماعی و فرهنگی کشور اسلامی مصر را به باد انتقاد می‌گیرد. وی با نوشتن طنز می‌خواهد اثری مثبت در جامعه خود ایجاد کند و آن را از مرحله پایین‌تر به مرحله بالاتر برساند که هدف نهایی طنز نویسان می‌باشد. گفتنی است که انتقادات طنزآمیز احمد بهجت از کشور مصر می‌تواند شامل حال دیگر کشورهای اسلامی باشد چرا که این کشورها از لحاظ فرهنگی و ساختاری و عمق تاریخی و معماری تقریباً مشترک هستند. با توجه به اینکه تاکنون پژوهش‌های اندکی در زمینه آثار احمد بهجت صورت گرفته است، این پژوهش می‌تواند، محققین و علاقمندان را به سوی کشف هرچه بیشتر تکنیک‌ها و مضامین طنز در آثار این نویسنده طنز پرداز بخصوص در زمینه جداره‌های شهری در سایر کشورهای اسلامی رهنمون کند.

فهرست منابع و مآخذ:

کتاب‌ها:

- ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۹۹۷). لسان العرب. دار صادر: بيروت.
- اصلانی، محمدرضا. (۱۳۹۰). فرهنگ واژگان و اصلاحات طنز. چاپ سوم، تهران: نشره قطره.
- انوشه، حسن. (۱۳۷۶). فرهنگ نامه‌ی ادبی فارسی. جلد دوم، دانش‌نامه‌ی ادب فارسی، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- بلخاری قهی، حسن. (۱۳۸۴). تجلی نور و رنگ در هنر ایرانی - اسلامی. تهران: انتشارات سوره مهر.
- بهجت، احمد. (۱۹۹۴). أهل اليسار یا لیل، الطبعة الأولى. قاهره: دارالشروق.
- بهجت، احمد. (۱۹۹۷). تحت‌مس ۴۰۰ بشرطه. الطبعة الرابعة، القاهره: دارالشروق.
- بهجت، احمد. (۲۰۰۰). ثانیه واحده من الحب. قاهره: دار أخبار الیوم.

- بهجت، احمد. (۲۰۰۸). حوار بین طفل ساذج و قط مثقف. الطبعة الثانية، قاهره: دارالشروق.
- بهجت، احمد. (۱۹۹۸). صائمون و الله أعلم. قاهره: دارالشروق.
- بهجت، احمد. (۱۹۹۰). مذكرات صائم. الطبعة الثالثة، قاهره: دارالشروق.
- بهزادی اندوهجردی، حسین. (۱۳۷۸). طنز و طنزپردازی در ایران. تهران: انتشارات صدوق.
- جوادی، حسن. (۱۳۸۴). تاریخ طنز در ادبیات فارسی، چاپ اول، تهران: انتشارات کاروان.
- حسین پور، سیدعلی و نجفی، محدثه. (۱۳۹۱). طراحی مهد کودک با نگاهی به تقدس در معماری ایرانی. تهران: نشر طحان.
- حلبی، علی اصغر. (۱۳۷۷). طنز و شوخ طبعی در ایران و جهان اسلام. تهران: بهبهانی.
- حلبی، علی اصغر. (۱۳۶۴). مقدمه‌ای بر طنز و شوخ طبعی، چاپ دوم. تهران: نشر بهبهانی.
- رفیعیان، مجتبی و مولوی، جمشید. (۱۳۹۱). روش‌های سنجش کیفیت محیط مسکونی شهر. چاپ اول، تهران: انتشارات آذرخش.
- رهنورد، زهرا. (۱۳۸۹). حکمت هنر اسلامی. چاپ ششم، تهران: انتشارات سمت.
- رضایی، خداداد. (۱۳۸۹). مبانی هنر، تصویر و تبلیغ. قم: موعود اسلام.
- شاهچراغی، آزاده و بندر آباد، علیرضا. (۱۳۹۳). روانشناسی محاط در محیط. چاپ دوم، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- شرف، عبدالعزیز. (۱۹۹۲). الأدب الفكاهی. قاهره: الشركة المصریه العالمیه للنشر (لونجمن).
- صدر، رویا. (۱۳۸۱). بیست سال با طنز. چاپ اول، تهران: هرمس.
- طباطبایی، ملک. (۱۳۹۰). جداره‌های شهری و نقش آن‌ها در فضاهای شهری. تهران: انتشارات آرمانشهر.
- مددپور، محمد. (۱۳۷۴). تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی. تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- مرتضوی، شهرناز. (۱۳۸۰). روان‌شناسی محیط و کاربرد آن. چاپ اول، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- نیکوبخت، ناصر. (۱۳۸۰). هجو در شهر فارسی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

مقالات و پایان نامه‌ها:

آقاداودی، محی‌الدین و زکریایی کرمانی، ایمان. (۱۳۹۶). "تحلیل مضامین و کارکردهای کتیبه‌های مدارس عصر صفویه اصفهان، نمونه موردی: مسجد- مدرسه چهار باغ". نشریه علمی- پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، شماره ۲۶، صص ۱۹۹-۱۶۱.

احمدی ملکی، رحمان. (۱۳۸۴). "فرم‌ها و نقش‌های نمادین در مساجد ایران، به کوشش دبیرخانه ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد". نسر رسانش، صص ۱۱۰-۱۱۶.

بهرامی‌نژاد، دهقان. (۱۳۸۲). "شناخت و ارزیابی کیفیت محیط شهری در بافت میانی شهرها". پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، شیراز: دانشگاه شیراز.

پورجعفر، محمدرضا؛ تقوایی، علی‌اکبر و صادقی علیرضا. (۱۳۸۸). "خوانش تأثیر ساماندهی محورهای بصری بر ارتقاء کیفیت محیط فضاهای عمومی شهری (نمونه موردی: خیابان آزادی تهران)". مدیریت شهری، شماره ۲۴، صص ۸۰-۶۵.

تقی‌زاده، کتایون و مینایی، عباس. (۱۳۹۰). "نحوه‌ی انتخاب گیاهان در برنامه‌ریزی و معماری فضاهای سبز شهری در ایران". نشریه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۸۱، صص ۱۴۰-۱۲۷.

حیدری، محمدباقر. (۱۳۷۷). "مقدمه‌ای بر طنز از دیدگاه عقل و نقل". فصلنامه سنجش و پژوهش، شماره ۱۳، صص ۱۵۴-۱۱۵.

زراعت دوست، مهتاب. (۱۳۷۹). "طراحی یک مرکز محله با توجه به تأثیری معماری بر رفتار". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

ستاری فرد، شهرام. (۱۳۹۴). «بررسی نقش مراکز مذهبی در افزایش سرزندگی شهرهای معاصر؛ مطالعه موردی: محدوده امامزاده صالح تجریش». مدیریت شهری، شماره ۴۰، صص ۱۵۷-۱۴۱.

طیبیان، منوچهر و موسوی، میرجلال. (۱۳۹۵). «بررسی نقش زیباسازی و ارتقاء کیفیت محیط بر سرزندگی شهری؛ نمونه موردی: باغ شهر تاریخی مراغه». فصلنامه آرمانشهر، نشریه علمی- پژوهشی معماری و شهرسازی، شماره ۱۷، صص ۲۶۲-۲۴۹.

کلهرنیا، بیژن و حبیبیان، هما. (۱۳۹۳). گبررسی تاثیر نظام کاربری زمین بر منظر صوتی (نمونه موردی: خیابان مهدیه شهر همدان). "مطالعات محیطی هفت حصار، شماره ۹، صص ۶۵-۵۷.

کیانی، اکبر. (۱۳۹۰). "بررسی و اولویت‌های منظر فضاهای عمومی شهر عسلویه با استفاده از مدل ANP". فصلنامه باغ نظر، شماره ۱۸، صص ۳۸-۲۵.

کیخا، نرجس و اکبری زاده، مسعود. (۱۳۹۸). "تطبیق تصویر استعاره ای زنان در اشعار دو بانو". نشریه علمی - پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، شماره ۳۵، صص ۱۴۰-۱۲۱.

گلکار، کورش. (۱۳۸۷). "محیط بصری شهر، سیر تحول از رویکرد تزیینی تا رویکرد پایدار". علوم محیطی، شماره ۴، صص ۹۵-۱۱۳.

لاری پور، نگین و دادور، ابوالقاسم. (۱۳۹۸). "تحلیل نشانه‌شناسی صورت و معنا در مسجد وکیل شیراز". نشریه علمی - پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، شماره ۳۳، صص ۷۰-۹۷.

ماجدی حمید و همکاران. (۱۳۹۰). "باز تعریف فضای شهری (مطالعه موردی: محور ولیعصر حد فاصل میدان ولیعصر تا چهار راه ولیعصر)". فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۷، صص ۲۸۳-۲۶۳.

مظفر، فرهنگ و همکاران. (۱۳۸۸). "بازشناسی نقش طبیعت در فضاهای آموزشی". نشریه علمی پژوهشی فناوری آموزش، شماره ۱، صص ۴۶-۳۷.

مکی نژاد، مهدی. (۱۳۸۸). "سیر تحول کتیبه‌ها ثلث در معماری ایران (صفوی تا قاجار)". نشریه نگره، شماره ۱۳، صص ۱۲-۱.

مهرافزون، محمد. (۱۳۹۶). "تبیین نقش خدمات شهری در توسعه اقتصاد شهری (مطالعه موردی شهر بروجرد)". فصل نامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم انداز زاگرس، شماره ۳۳، صص ۲۱۲-۱۸۹.

منابع اینترنتی:

[www. Wikipedia.org](http://www.Wikipedia.org).

منابع تصاویر:

<http://antisoftwar.blogfa.com/post/127>.

<http://banki.ir/akhbar/1-news/4747>.

<https://fa.advisor.travel/poi/sjd-mm-Hsyn-qhrh-6018/photos>.

<https://fa.alalamtv.net/news/1936724>.

<https://fa.sayfamous.com/nature/building/288163329200551.html>.

<https://www.khabaronline.ir/news/448474>.

<https://www.pinterest.com/pin/493777546614155166/>.

<http://wisgoon.com/pin/10445754>.